

بررسی ارتباط شهر یادگیرنده و سطح مشارکت شهروندان در شهر قزوین

محمد یوسفی*

اسماعیل شیهه**

محمد رضا خطیبی***

نوید سعیدی رضوانی****

چکیده

امروزه آگاهی یکی از عوامل موثر در مشارکت شهروندان به حساب می آید. یادگیری همه جانبه، همگانی و مادام‌العمر مفاهیمی هستند که در مکانی تحقق می‌یابند که از آن به شهر یادگیرنده تعبیر می‌شود. در این پژوهش ابتدا ابعاد و مولفه‌های شهر یادگیرنده با استفاده از منابع اسنادی شناسایی و پس از بررسی تکمیل شده است. با جمع‌بندی نهایی، شهر یادگیرنده در سه بعد بستر، فضا و دامنه یادگیری دسته‌بندی و با استفاده از روش آمیخته به صورت توصیفی-تحلیلی و نظرسنجی از نخبگان، مهم‌ترین مولفه‌های هر بعد شناسایی شد. در مرحله بعد با استفاده از پیمایش از بین ۳۶۰ نفر نمونه مربوط به جامعه آماری شهر قزوین، ارتباط این مولفه‌ها با زمینه‌های مشارکت شهروندی (اجتماعی، اقتصادی و علمی) در شهر قزوین مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از آزمون همبستگی تائو بی کندال و نرم افزار SPSS، رابطه معنی‌داری میان این دو مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مشارکت اجتماعی با آموزش رسمی، بسترهای جسمی-روانی، سیاسی-نهادی، اقتصادی و حوزه یادگیری رابطه معنی‌دار و مشارکت اقتصادی با آموزش رسمی، بسترهای فرهنگی، سیاسی-نهادی، حوزه یادگیری و یادگیری مادام‌العمر رابطه معنی‌دار دارد و مشارکت علمی نیز تنها با آموزش رسمی، بسترهای فرهنگی، فناوری و جسمی-روانی رابطه معنی‌دار دارد.

واژه‌های کلیدی: شهر یادگیرنده، یادگیری مادام‌العمر، آزمون معنی‌داری، مشارکت شهروندی، قزوین

* دانشجوی دکترا، شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. Mu3fi@yahoo.com

** استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران: ایران (نویسنده مسئول) Es_shieh@iust.ac.ir

*** استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی. قزوین، ایران M_khatibi@qiau.ac.ir

**** استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی. قزوین، ایران Navidsaeidirezvani@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۴

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال نهم، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۴۰-۱۰۳

مقدمه

در سال‌های اخیر رشد سریع و نامتناسب شهرها خصوصا در کشورهای در حال توسعه منجر به پیدایش مسائل و مشکلات زیادی همچون آلودگی هوا، ترافیک، کمبود مسکن، حاشیه‌نشینی و غیره شده که همین موضوع خود سبب نابرابری‌هایی در زمینه ارائه خدمات و امکانات و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی در شهرها شده و مجموعه مدیریت شهری را با چالش‌های بسیاری مواجه کرده است به طوری که بهره‌گیری از توان تشکیلاتی و سازمانی به تنهایی و بدون همکاری شهروندان کارساز نبوده است. یکی از رهیافت‌هایی که جهت کاهش این مشکلات پیشنهاد می‌شود استفاده از شهرسازی مشارکتی است. مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی درآمده و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند بدل شوند. (پیران، ۱۳۷۴، ۱۳۲). به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از این مشکلات و عدم مشارکت مردم، در نداشتن آگاهی است. بسیاری از شهروندان از وظایف و اختیارات و حقوق شهروندی آگاه نبوده و همچنین از نتایج تصمیمات مدیریت شهری بی‌اطلاع هستند که خود سبب عدم دخالت در این امور می‌شود. برخی نیز به دلیل ضعف دانش، فرض را بر اعتماد گذاشته و اداره امور شهر را به مدیران سپرده‌اند. بسیاری از شهروندان نیز در وهله اول مشارکت در امور شهری را مضمول هزینه می‌دانند و از انجام آن سر باز می‌زنند که این موضوع نیز ناشی از عدم آگاهی و شناخت از پیامدهای مثبت و مزایای مشارکت شهروندی است. محققان شهری معتقدند که شهر از مکان‌ها، زیرساخت‌ها، اشیا و فناوری‌هایی تشکیل شده است که ساکنان آن را قادر به عمل، تفکر و احساس می‌کنند. (امین و

تریفتم^۱، ۲۰۱۷، ۱۷) در واقع مدیران محلی درک کرده‌اند که آینده موفق‌تر وابسته به توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی درون آن است و کلید این توسعه یادگیری است؛ این به معنی القای عادت یادگیری تا جای ممکن به شهروندان و تقویت آن برای ساختن جامعه یادگیرنده است (لانگورت، ۲۰۰۶، ۶۵). لذا یکی از راهکارهای جلب مشارکت شهروندان آموزش و یادگیری است. مقوله یادگیری در قرن جدید که فناوری اطلاعات و رسانه‌ها مرزهای جهان را محو کرده و آن را تبدیل به «دهکده جهانی» کرده است، جایگاه ویژه و ممتازی را به خود اختصاص داده است. تعلیم و تربیت در جهان قرن بیست و یکم دیگر تنها در مفهوم کلاس درس و تخته و گچ خلاصه نمی‌شود بلکه دانش‌اندوزی در قالب‌ها و روش‌هایی گوناگون مورد توجه قرار خواهد گرفت. از آن رو که شهرها بزرگ‌ترین مصنوع بشری بوده و بستر و کانون تحولات بشری به حساب می‌آیند «محیط شهری» به واسطه حضور همیشگی انسان‌ها در آن یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بالقوه آموزش انسان خواهند بود. فرخی، هرندی، ۱۳۹۲). شهر آموزنده مفهومی مدرن از شهر است که نقشی جدید را برای شهر در کنار و به موازات نقش‌های گذشته آن ارایه می‌دهد. با افزایش آگاهی انسان بسیاری از مهارت‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. عدم تحقق بسیاری از اهداف توسعه‌ای بشر شاید ریشه در ناآگاهی و عدم آموزش داشته باشد. این امر ممکن است به عدم مشارکت شهروندان در برنامه‌های توسعه‌ای بینجامد. از سویی دیگر این آگاهی‌رسانی برای همه شهروندان از طرق رسمی و دانشگاهی امکان‌پذیر نیست. بنابراین باید شیوه‌ای از آگاهی‌رسانی انتخاب شود که نه تنها در هر مکان بلکه در هر زمانی قابل دسترس باشد. براین اساس هدف این پژوهش دستیابی به رابطه بین آموزش فراگیر و میزان مشارکت شهروندان است.

در این پژوهش با بررسی مفهوم شهر یادگیرنده و معیارها و شاخص‌های مربوط به نقش آنها در مشارکت شهروندان در شهر پرداخته خواهد شد. بدین منظور شهر قزوین به عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب شده است. دلیل این انتخاب وجود مراکز آموزشی فراوان در شهر قزوین بوده که موجب خواهد

شد نتایج پژوهش از روایی بهتری برخوردار شود. در واقع پژوهش حاضر می‌کوشد بر پایه آنچه تحقیقات پیشین درباره مشارکت شهروندی ارایه کرده‌اند به بررسی نقش مقوله آموزش شهروندی آن هم از نوع فراگیر و همه‌جانبه بر ارتقای مشارکت اجتماعی بپردازد.

مبانی نظری

از اهمیت و پیچیدگی مفهوم یادگیری تعریف‌های مختلفی به دست داده‌اند. باین حال، معروف‌ترین تعریف برای یادگیری این است: یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است، گفته می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروهای پدید می‌آید، نسبت داد. (هرگنهان، السون، ۱۳۷۴، ترجمه سیف، ۳۰) آموزش اما با یادگیری تفاوت داشته و به هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است.

در کنار تعاریف یاد شده نوعی از یادگیری که با عناوینی چون یادگیری فراگیر، مادام‌العمر و بی‌وقفه از آن یاد می‌شود و اشاره به مستمر بودن یادگیری در طول سال‌های عمر دارد، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. گاردینر (۱۹۹۸) در تعریفی از یادگیری مادام‌العمر می‌گوید «مفهوم یادگیری مادام‌العمر رویکردی چندبعدی از خودآموزی است که در سراسر دوره‌های زندگی فرد جریان دارد و به انگیزه افراد وابسته است و از منابع شخصی، منابع کاری و خودکارآمدی تاثیر می‌پذیرد. یادگیری مادام‌العمر می‌تواند از شکل و روش‌های بسیاری فراگرفته شود، از شرکت در کلاس‌ها گرفته تا گوش دادن به نوارهای صوتی به صورت مستقیم، مطالعه و کار روی پروژه‌هایی که ظرفیت افراد را به حداکثر ممکن آن برساند. (نوروزی و نند، ۱۳۹۳، ۲۷). همه محیط‌های شهری می‌تواند بستر این نوع یادگیری باشد و به عبارتی موجب شکل‌گیری مفهومی به نام شهر یادگیری شود؛ شهر، شهرستان یا منطقه‌ای که همه منابع خود را در تمام بخش‌های شهری به کار می‌گیرد تا افراد آن شهر را به رشد فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برساند تا انسجام اجتماعی بالاتر رود و باعث

موفقیت شهروندان شود (لانگورث، ۲۰۱۱).

تاکنون مطالعه‌ای به‌طورمستقیم با موضوع این پژوهش انجام نگرفته است اما مطالعاتی را که رویکرد پژوهش، نتایج یا داده‌های ارائه‌شده در آنها می‌تواند مرتبط با موضوع پژوهش پیش‌رو باشد، می‌توان به دو دسته پژوهش‌های مربوط به شهر یادگیری و پژوهش‌های مربوط به شهرسازی مشارکتی تقسیم کرد.

در باب شهر یادگیری که سرآغاز آن مربوط به دهه هفتاد میلادی است، برخی محققان به بررسی مفهوم آن و برخی دیگر به بررسی شیوه‌های پیاده‌سازی شهر یادگیری پرداخته‌اند. لانگورث (۱۹۹۹) شهر یادگیری را به‌عنوان یک مفهوم جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌دهد و آن را شامل شهرستان‌ها، نواحی و حتی روستاها می‌داند، که ساختارهای اقتصادی، سیاسی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی خود را به‌سوی رشد پتانسیل‌های انسانی و استعداد‌های همه‌ی شهروندان، کنترل و یکپارچه می‌کند. این در حالی است که دوک (۲۰۱۰) شهر یادگیری را بیشتر یک ایده می‌داند تا اینکه توصیفی از مکان یا مکان‌های واقعی باشد. اما یونسکو (۲۰۱۳) شهر یادگیری را مستلزم یک رویکرد واقع‌گرایانه و عملیاتی برای به‌کارگیری یادگیری مادام‌العمر می‌داند و آن را پروسه‌ای ادامه‌دار و مستمر می‌داند و برای این شهرها، مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌ها تعریف کرده است. در تحقیقات اخیر به ارتباط شهر یادگیری و سایر مفاهیم شهری پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه بنکه و همکارانش (۲۰۱۸) با هدف بررسی تأثیر مناطق یادگیری در تاب‌آوری شهری در نتیجه نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی و مقاله چامسی و سیمپسون (۲۰۲۰) درباره نقش شهرهای یادگیری در ارتقا، حمایت و گسترش مدل مدارس اجتماع‌محور با هدف مشارکت‌های بین مدرسه و سایر منابع جامعه می‌توان اشاره کرد.

در تحقیقات دانشگاهی صورت‌گرفته در ایران نیز برای نمونه صدیقه کریمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود مدلی مفهومی را برای جامعه‌ی یادگیری ایرانی ارائه داده است و در تحقیقی کاربردی‌تر، بیات و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی مفهوم شهر یادگیرنده و شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری این مفهوم در منطقه ۶ شهرداری

تهران پرداخته است و در تحقیقی دیگر که نشان از بسط و گسترش مفهوم شهر یادگیری و تاثیر آن بر سایر پدیده‌های نوظهور شهری دارد. امیر انتخابی و همکاران (۱۳۹۷) به ارتباط بین شاخص‌های شهر یادگیرنده و شهر خلاق در رشت از منظر توسعه پایدار پرداخته‌اند.

از سوی دیگر در بررسی مفهوم مشارکت نیز تحقیقات وسیعی صورت گرفته است. حبیبی و سعیدی‌رضوانی (۱۳۸۴) به بررسی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و تلفیق آن با شرایط ایران پرداخته و مشارکت را در سه دسته شعاری، محدود و واقعی تقسیم‌بندی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که انطباق شرایط شهرسازی ایران با مشارکت شعاری است. از نظر پیران (۱۳۷۸) ایرانیان در امور مذهبی سخت مشارکت جویند، ولی در امور مدنی و اجتماعی مشارکت‌جو نیستند. علوی‌تبار (۱۳۷۹) تاثیر متغیرهای آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، جنس، تحصیلات، عضویت در تشکل‌ها بر مشارکت اجتماعی و وجود رابطه معنی‌دار متغیر آگاهی اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و سطح تحصیلات با مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است و صالحی (۱۳۸۵) میزان تمایل شهروندان شهر بجنورد به مشارکت، بررسی عوامل جامعه‌شناختی و روانشناختی اجتماعی موثر بر میزان این تمایل و نظر و عقاید متولیان امور شهری نسبت به مشارکت مردم را بررسی کرده و محمدی و همکاران (۱۳۹۲) میزان رضایت از عملکرد شهرداری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تعلق به محله زندگی، استفاده از رسانه‌های جمعی، آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، اعتماد به مدیران شهری، عضویت در انجمن‌های محله‌ای، سن و جنس را به‌عنوان عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در بین شهروندان شهر سنندج را مورد تحقیق قرار داده است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در آثار محققان ذکر شده به نقش آگاهی و تحصیلات افراد جامعه در مشارکت اشاره شده است اما آنچه این تحقیق به دنبال آن است رابطه بین نوعی از یادگیری با مشارکت است که فراگیر و بی‌وقفه بوده و در همه مکان‌ها و زمان‌ها امکان بروز دارد؛ موضوعی که در شهر یادگیری ممکن است، تحقق یابد.

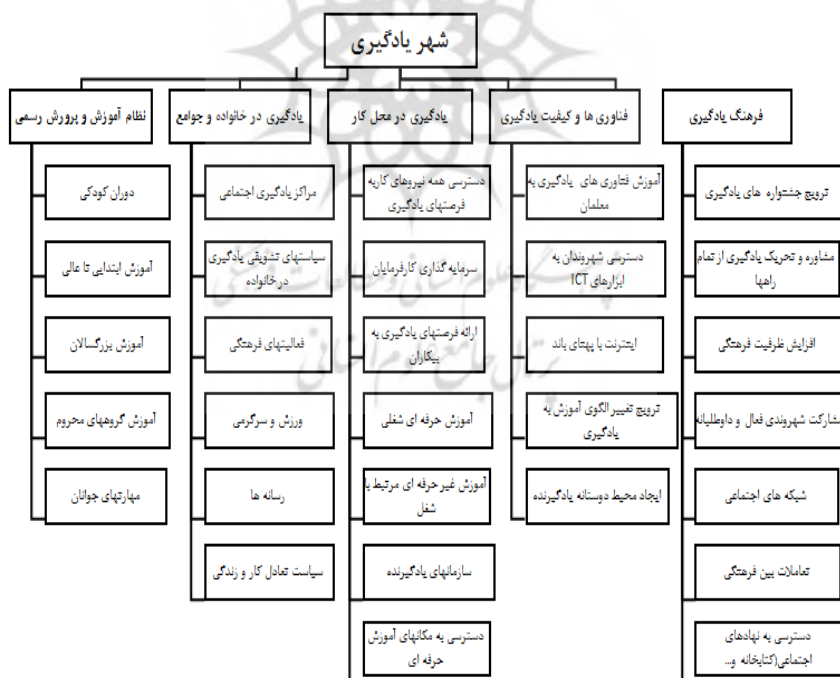
نظریه‌های مرتبط با یادگیری

مفهوم یادگیری، آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت ضمن تفاوت‌های معنایی، عموماً به‌عنوان عاملی از فرایند رشد انسان از ابتدای زندگی او مطرح است. این مفاهیم در طول زمان تکامل یافته و در عصر حاضر نیز همچنان در حال طی کردن مراحل تکوینی و بلوغ خود است. برخی از اندیشمندان، جنبه اخلاقی و مذهبی آموزش را مورد تأکید قرار داده‌اند، برخی دیگر با استفاده از علوم رفتاری به بررسی مفهوم آموزش و یادگیری پرداخته‌اند و برخی از اندیشمندان نیز با نگرش‌های فلسفی به این موضوع پرداخته‌اند. در دیدگاه‌های متاخر که عمری کمتر از نیم قرن دارد به ابعاد همه‌جانبه یادگیری و وجه اجتماعی آن پرداخته شده است که ضمن تکامل فردی انسان، به انسجام اجتماعی و تقویت اقتصادی جوامع و به‌طور کلی توسعه پایدار منجر می‌شود. در این مقاله دیدگاه‌های متاخر به لحاظ ارتباط نزدیک‌تر با موضوع شهر و شهروند مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته است. از اواخر قرن بیستم، دوره‌ای که ایده جامعه یادگیری اهمیت یافته و رواج پیدا کرد، دیدگاه‌های زیادی درباره آن ارائه شده است. بسیاری از صاحب‌نظران، با مطالعات تطبیقی، پیمایشی و مرور متون تخصصی جامعه یادگیری را توصیف کرده‌اند. به اعتقاد بسیاری از حامیان ایده جامعه یادگیری، یکی از واضح‌ترین توصیف‌ها، مدل جامعه یادگیری یونسکو است (کریمی، نصر و شریف، ۱۳۹۲: ۴۳). در سال ۱۹۷۲ این مفهوم توسط گزارش کمیسیون بین‌المللی توسعه‌ی آموزش و پرورش یونسکو با ریاست فور تحت عنوان «آموختن برای زیستن: جهان آموزش و پرورش امروز و فردا» در یونسکو مطرح شد. این‌گونه استدلال می‌شد که آموزش و پرورش، دیگر امتیازی برای قشر مرفه جامعه محسوب نمی‌شود، همچنین به سن خاصی تعلق ندارد، بلکه ضرورت دارد تا کل اجتماع و سراسر زندگی افراد را دربرگیرد (نوروزی‌وند، ۱۳۹۳: ۵).

ژاک دلور، رییس سابق کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، طی گزارشی که تحت‌عنوان: «یادگیری، گنج درون» (۱۹۹۶) منتشر کرده است، چهار ستون را زیربنای آموزش و پرورش معرفی می‌کند تا به کمک آن هیچ‌یک از

استعدادهای انسانی که همچون گنجینه‌ای در نهاد هر انسانی نهفته است، بلااستفاده باقی نماند و به فعلیت برسد. این بنیان‌ها عبارتند از: ۱. یادگیری برای دانستن ۲. یادگیری برای انجام دادن ۳. یادگیری برای با هم زیستن ۴. یادگیری برای زیستن (دلور، ۱۳۷۵). این چهار بنیان یادگیری در مکانی عینیت به خود می‌گیرد که بیانگر همه جوانب زندگی افراد باشد. یادگیری برای دانستن عمدتاً در محیط آموزش رسمی رخ می‌دهد، یادگیری برای انجام دادن نیز در محیط کار فراهم می‌شود، یادگیری برای با هم زیستن اشاره به محیط اجتماعی انسان‌ها دارد و یادگیری برای زیستن نیز اشاره به محیط‌های کسب مهارت‌های فردی دارد که معمولاً در محیط خانه و خانواده رخ می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت این چهار ستون یادگیری اشاره به ساختار اصلی شهر یادگیرنده دارد. در نمودار ذیل مهم‌ترین مولفه‌های شهر یادگیری براساس این چهار ستون و نتایج محققان خلاصه شده است.

نمودار ۱. مهم‌ترین مولفه‌های شهر یادگیری



مأخذ: یوسفی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۰

نظریه‌های مرتبط با مشارکت

مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). در تعریفی دیگر مشارکت عبارت است از: فعالیت‌های آزادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند. از طرفی مشارکت اجتماعی که مفهومی خاص‌تر است به آن دسته از فعالیت‌های آزادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵). نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دهه ۱۹۶۰ به بعد مطرح شده است. در دیدگاه روانشناختی، مشارکت بر عوامل انگیزه و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده نگرش‌های فردی در مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی تاکید می‌شود. از این نظر در بررسی فعالیت‌های مشارکتی افراد باید به میزان احساس تعلق او به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و نیز انگیزه پیشرفت، شایستگی و کار توجه داشت.

در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تاکید می‌شود. از این دیدگاه، فراگردهای اجتماعی و بیرونی تعیین‌کننده میزان مشارکت افراد هستند. صاحب‌نظران این دیدگاه، فرایندهای ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت، بویایی گروهی، سطح آموزش و منزلت اجتماعی را بر مشارکت موثر دانسته‌اند (امینی، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

در بررسی نظریات مربوط به مشارکت می‌توان ضمن دسته‌بندی این نظریات نقاط مشترک آنها را استخراج کرده و میزان اهمیتی را که به مقوله آموزش و یادگیری داده شده است، استخراج کرد که در جدول ذیل نشان داده شده است. این جدول بیانگر این است که تقریباً اکثر نظریه‌پردازان به نقش آموزش و

اطلاع‌رسانی در تکمیل فرآیند مشارکت اشاره کرده‌اند که این موضوع به تقویت فرضیه پژوهش کمک می‌کند. اما اینکه این آگاهی‌رسانی در صورتی که همه‌جانبه، مادام‌العمر و در همه مکان‌های حضور شهروندان صورت گیرد، چه تاثیری بر انواع مشارکت خواهد گذاشت؛ موضوع این پژوهش است.

جدول ۱. خلاصه نظریات مرتبط با مشارکت و ارتباط آن با آموزش و یادگیری

ردیف	نام نظریه پرداز	نام نظریه-دیدگاه	مراحل یا عوامل موثر در مشارکت	عوامل مرتبط با آموزش و یادگیری (کلمات کلیدی)
۱	ارنشتاین	نردبان مشارکت	تقلب و دستکاری، درمان، اطلاع‌رسانی، مشاوره، ال‌تیم بخشی، مشارکت شهروندان، قدرت تفویضی، کنترل شهروندان	اطلاع‌رسانی و مشاوره
۲	دیویدسون	گردونه مشارکت	اطلاع‌رسانی، مشاوره، مشارکت و توانمندسازی	اطلاع‌رسانی
۳	رابرت دال	عوامل موثر بر گرایش و عدم‌گرایش افراد به مشارکت	منافع آتی، درک و شناخت، منشأ نتیجه تغییر شرایط موجود، دانش و اطلاعات، توانایی انجام، موانع و مشکلات	درک و شناخت دانش و اطلاعات
۴	نظریه کلندرمین	مدل ارزش انتظار	بسیج آگاهی و بسیج کنش اجتماعی	بسیج آگاهی
۵	لرنر	اعتقاد به مشارکت به‌عنوان متغیر مهم توسعه	وجود ارتباط متقابل بین شهرنشینی، تحصیلات، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت	تحصیلات، رسانه‌های گروهی
۶	گائوتری	ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم	ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم از طریق چهار شرط ۱- ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری) ۲- نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی) ۳- اطلاعات کافی ۴- امکانات مادی و تخصصی	اطلاعات کافی
۷	آلموند و پاول	تاکید بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد	تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی	تحصیلات
۸	لیپست	تاثیر شغل بر مشارکت اجتماعی و سیاسی	بالابودن میزان مشارکت در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متاهلان، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و اعضای سازمان‌ها، احزاب و سندیکاها	گروه‌های تحصیل کرده
۹	هانینگتون	منزلت اجتماعی	رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی و کسب منزلت‌های اجتماعی	سطح تحصیلات فرد
۱۰	هابرماس	کنش ارتباطی	تاکید بر حوزه عمومی با شبکه‌ای از ارتباطات که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی برای مبادله معانی بین افراد و گروه‌ها از کنش ارتباطی استفاده می‌کنند	کنش ارتباطی

۱۱	ساموئل پیل	سطح‌بندی مشارکت در اجتماعات محلی	سطح اول: تسهیم اطلاعات، سطح دوم: مشاوره، سطح سوم: تصمیم‌گیری و سطح چهارم: اقدام به عمل (بالاترین سطح)	سطح اول: تسهیم اطلاعات و مشاوره، سطح دوم: مشاوره و سطح سوم: اقدام به عمل (بالاترین سطح)
۱۲	برنز	گستره چهارسطحی	آگاهی‌رسانی، ادراک، تصمیم‌سازی و اجرا	آگاهی‌رسانی
۱۳	جان فریدمن	برنامه‌ریزی مشارکتی غیراقلیدسی، تبادل	دوری از مهندسی خشک در برنامه‌ریزی، هنجاری، نوآورانه و متکی بر یادگیری اجتماعی بودن در فرآیند برنامه‌ریزی	یادگیری اجتماعی کنش ارتباطی

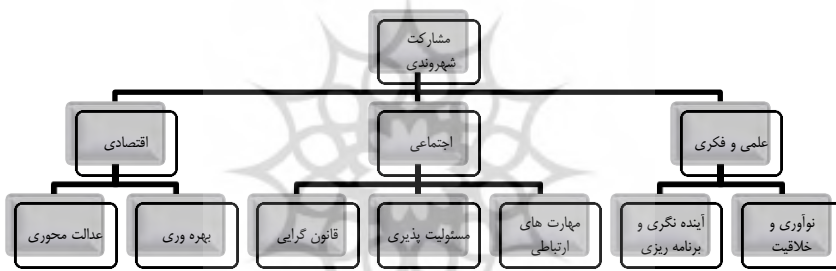
الگوی تبیین مشارکت شهروندان

گائوتری معتقد است تلاش برای مشارکت، مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در همه سطوح است. همین تغییر امکان برقراری روابط انسانی و اجتماعی جدیدی را موجب می‌شود. در واقع، در قالب فرایند اجتماعی کردن و درونی کردن باید ارزش‌ها و ایده‌های مربوط به مشارکت را به‌طور عمیقی درونی و نهادی کرد. وی معتقد است که مشارکت باید از درون جامعه برخیزد و از بیرون می‌تواند مورد حمایت قرار گیرد. برای درونی ساختن مشارکت باید از بنیادها و محمل‌های مشارکت غیررسمی که در جوامع وجود دارند، بهره‌گرفت (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۵). پارسنز، جامعه‌شناس آمریکایی، جامعه را به چهار نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم کرده است. برای هر یک از آن‌ها، اهداف، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌های ویژه‌ای در نظر گرفته است و هر یک از آن‌ها را در حکم یک عضو کلان از اعضای جامعه کل دیده است. براساس نظریه‌های ارائه شده در موضوع مشارکت شهروندان می‌توان آنها را به شیوه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد که یکی از این شیوه‌ها، تقسیم‌بندی مشارکت براساس حوزه اجتماعی، اقتصادی و علمی است. مشارکت اجتماعی در بردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است؛ موضوعی که از نظریه کنش اجتماعی پارسونز نشأت می‌گیرد و بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس در حوزه عمومی جامعه فرصت رشد می‌یابد. مشارکت شهروندان در این حوزه مشتمل بر موضوعاتی چون قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی است.

منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم

در جهت تولید، پس انداز سرمایه گذاری بیشتر و مطلوب تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است. این مفاهیم عمدتاً در موضوعاتی مانند بهره‌وری و عدالت محوری بروز می‌کند. موضوع دیگری که شهروندان با مشارکت خود می‌توانند در بهبود زندگی شهری کمک کنند، مشارکت در امور فکری و علمی است و به عبارتی نقش مشاور را در مسائل و تصمیم‌گیری مسئولان شهری ایفا کنند. این حوزه از مشارکت شهروندان مشتمل بر موضوعاتی همچون آینده‌نگری، برنامه ریزی، خلاقیت و نوآوری است. در نمودار زیر زمینه‌های مشارکت شهروندی نشان داده شده است:

نمودار ۲. زمینه‌های مشارکت شهروندی با حوزه مدیریت شهری



روش

این تحقیق یک پژوهش کاربردی بوده که جهت انجام آن عمدتاً از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. هدف از این تحقیق حل مسائل و مشکلات شهرهای امروزی از طریق مشارکت شهروندان است که به دلیل عدم آموزش و یادگیری اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد.

در روند جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات اسنادی شامل متون، گزارش‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات فراخور موضوع و جهت جمع‌آوری اطلاعات نمونه‌موردی، براساس مطالعات میدانی از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

پس از جمع‌بندی مولفه‌های یادگیری مادام‌العمر و شهر یادگیری که مکمل یکدیگر هستند، نهایتاً مدل شهر یادگیری پژوهش با تغییرات صورت گرفته در

مدل‌های محققان، طراحی شد. در ادامه کار به جهت تکمیل مدل یادشده و نوآوری در پژوهش، ابعاد دیگری از شهر یادگیری شناسایی و برای دستیابی به شاخص‌های مربوطه با استفاده از روش دلفی و با نظرسنجی از متخصصان موضوع اقدام شد. این کار در دو مرحله انجام گرفت. ابتدا شاخص‌های جدید با استفاده از مصاحبه استخراج و در مرحله دوم مجدداً از متخصصان خواسته شد تا نسبت به اولویت‌بندی شاخص‌های مستخرج از مرحله اول اقدام کنند. در نهایت مهم‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های شهر یادگیری در سه بعد؛ فضای یادگیری، بستر یادگیری و دامنه یادگیری با استفاده از روش دلفی مشخص شد. متخصصان در این مرحله شامل ۱۰ نفر از اساتید و کارشناسان حوزه آموزش و شهرسازی بودند. پس از جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مفاهیم و معیارهای «شهر یادگیرنده» به ارزیابی شهر قزوین از نظر تطابق با این معیارها پرداخته می‌شود و در نهایت با تحلیل نتایج به دست آمده به بررسی میزان تاثیر آن بر مشارکت شهروندی پرداخته خواهد شد. به این منظور پرسشنامه‌ای تهیه و تنظیم شده و بین نمونه مورد مطالعه توزیع شده است. جامعه آماری در این پژوهش کل مناطق شهر قزوین است که مجموعاً دارای جمعیت ۴۰۲,۷۴۸ نفر تا سال ۱۳۹۵ و حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۰ نفر بوده است. نمونه‌گیری براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از دهک‌های سنی و جنسی جامعه آماری انجام شده است.

گویه‌های تحقیق براساس طیف لیکرت طراحی و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌دهی شدند. بعد از اتمام این مرحله، گویه‌های مذکور به نظر استادان و کارشناسان متخصص رسید تا دیدگاه‌های ایشان برای تعدیل و اصلاح گویه‌ها لحاظ شود و از این بابت اعتبار پرسشنامه محرز شود. سپس پرسشنامه بین ۱۰٪ از اعضای جامعه آماری توزیع و تکمیل شد تا اندازه‌گیری میزان پایایی پرسشنامه نیز ممکن شود. مقادیر آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه ۰,۷۷۱ است که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است. در ادامه به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده و بررسی ارتباط دو پارامتر یادگیری همه‌جانبه و مشارکت شهروندی از آزمون همبستگی رتبه‌ای بی‌کندال تائو استفاده شد. ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تائو یک آمار ناپارامتری (در

سطح سنجش رتبه‌ای) است که برای سنجش میزان تناظر یا مطابقت بین دو مجموعه رتبه و ارزیابی معنی‌داری این تناظر به‌کار می‌رود. در این پژوهش رابطه بین مولفه‌های شهر یادگیری و مشارکت شهروندی مورد آزمون قرار گرفت.

بحث و یافته‌ها

شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های شهر یادگیری

با بررسی مبانی نظری پژوهش می‌توان ابعاد شهر یادگیرنده را شامل فضای یادگیری، بستر یادگیری و دامنه یادگیری در نظر گرفت. منظور از فضای یادگیری، محیط یا مکانی است که در آن اشکال مختلف یادگیری اتفاق می‌افتد. فضاهای یادگیری رسمی، خانوادگی، شخصی (مجازی)؛ یادگیری در جامعه و محل کار، از جمله این فضاها هستند. از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری شهر یادگیرنده میزان فراهم بودن بسترهای یادگیری است. مولفه‌های این بعد شامل بسترهای فرهنگی، کیفیت و فناوری که در مبانی نظری به آن اشاره شد و سه بستر جسمی-روانی، سیاسی-نهادی و اقتصادی است که به‌عنوان یکی از جنبه‌های نوآوری این پژوهش است و به‌منظور تکمیل ابعاد و مولفه‌های شهر یادگیرنده به مدل یونسکو اضافه شد. دامنه یادگیری نیز شامل یادگیری مادام‌العمر و حوزه یادگیری است. در مرحله بعد با استفاده از مصاحبه و نظرسنجی از نخبگانی که دارای تحصیلات و تحقیقات مرتبط با موضوع بودند، شاخص‌های موردنظر هر مولفه شناسایی شد. جامعه آماری این مرحله شامل ۱۰ نفر از اساتید دانشگاهی بود که برخی از آنان دارای جایگاه مدیریتی در حوزه آموزش نیز بودند. در جدول ۲ مشخصات پاسخگویان آورده شده است.

جدول ۲. مشخصات پاسخگویان

رشته تحصیلی	تعداد	حوزه‌های شغلی-تخصصی	تحصیلات
علوم تربیتی	۲	مدرس دانشگاه	دکتر
تکنولوژی آموزشی	۲	مدیر اداره آموزش پرورش، مدرس دانشگاه	دکتر
روان‌شناسی	۴	مدرس دانشگاه، مشاوره آسیب‌های اجتماعی و کلینیک روانپزشکی	دکتر
مدیریت آموزشی	۱	آموزش شهروندی	دکتر
شهرسازی	۱	مشارکت شهری، آموزش شهروندی	دانشجوی دکتر

در اینجا به تشریح مولفه‌ها و شاخص‌های احصاشده از نظرسنجی و مصاحبه با نخبگان در ابعاد بستر و دامنه یادگیری پرداخته شده است. این شاخص‌ها پس از جمع‌بندی و حذف موارد تکراری و ادغام موارد مشابه در نهایت ۶۶ مورد بوده که در جدول ذیل آمده است.

جدول ۳. مهم‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های شهر یادگیرنده در بعد بستر و دامنه یادگیری

بعد	مولفه	شاخص‌ها
بستر یادگیری	فرهنگ یادگیری	سهام درآمدی خانوارها برای خرید کتاب و یادگیری فرزندان، میزان مراجعه به فضای مجازی به منظور کسب اطلاعات و یادگیری، میزان ساعات مطالعه افراد، میزان فراهم کردن رایگان منابع و کتب جهت مطالعه، میزان شفاف‌سازی اطلاعاتی توسط نهادها، میزان نگرش مثبت به همکاری جامعه و نمونه آماری در کارهای پژوهشی با محقق و دانشجو، میزان بازدید از موزه‌ها و مراکز تاریخی به نسبت جمعیت محله و شهر، میزان شرکت در همایش‌های عمومی و سطح فرهنگ یادگیری تیمی و مشارکتی
	کیفیت و تکنولوژی	متوسط سرعت اینترنت، میزان فراهم بودن خدمات دولتی از طریق درگاه الکترونیکی، متوسط نمره ارزیابی برنامه تعالی مدیریت مدارس، میزان استفاده از فناوری دیجیتال در رسانه‌های دیداری (بردهای دیجیتالی)، استفاده از تجهیزات نظم‌دهی به مقررات مثل پارکومتر و ...، میزان اشاعه کتاب‌های الکترونیکی، تعداد تلویزیون‌های شهری، بستر استفاده از اینترنت رایگان در محدوده‌های عمومی، بسته‌های آموزشی در قالب لوح فشرده میزان آموزش از راه دور به دانش‌آموزان، سطح سواد مریبان و اساتید، میزان برخورداری فضاها و وسایل حمل و نقل عمومی از فناوری ارتباطات، میزان دسترسی پذیری وسایل ارتباط جمعی مجازی و میزان اپلیکیشن‌های آموزش‌محور
	جسمی- روانی	نسبت مشاوران تحصیلی به تعداد دانش‌آموزان، تعداد مراکز مشاوره روان‌سنجی هوش، میزان برنامه‌های آموزشی تغذیه و سلامت و بهداشت، میزان ورزش همگانی، تعداد برنامه‌های سنجش سلامت جسمی دانش‌آموزان، میزان مشارکت مردم در برنامه‌های غربالگری جسمی و روحی، میزان آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی، میزان آموزش‌های مرتبط با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تعداد مراکز آموزشی با رویکرد توانمندسازی افراد آسیب‌دیده و نسبت مکان‌های مناسب برای تحرک جسمی نسبت به جمعیت
	سیاسی- نهادی	نسبت تعداد افراد آموزش‌دیده در آموزش و پرورش رسمی نسبت به جمعیت ۷ تا ۱۸ ساله، تعداد و تنوع سازمان‌های مردم‌نهاد با موضوعات آموزشی، میزان آرایه خدمات آموزشی هر نهاد به شهروندان، وجود مشاور و راهنما در هر اداره برای راهنمایی شهروندان، تعداد جلسات و سمینار با محتوای آموزش شهروندان توسط نهادهای رسمی، سهم مدیریت شهری در آرایه آموزش‌های شهروندی، تعداد، نوع و محتوای بنرهای تبلیغاتی آموزشی، میزان مشارکت مردم در راهپیمایی‌ها و مراسمات مذهبی و ...، میزان سیاست‌های تشویقی نهادها برای تشویق شهروندان به یادگیری، برگزاری مسابقات با هدف ارتقای فرهنگ شهروندی برای شهروندان توسط نهادها
	اقتصادی	سرانه هزینه‌های آموزشی هر دانش‌آموز، نسبت هزینه برای ساخت فضای آموزشی جدید نسبت به کل بودجه آموزش در استان، سرانه فضاهای مجهز و برخوردار از استاندارد به هر روز آموزشی، میزان اختصاص بودجه نهادها به موضوعات آموزشی به نسبت کل بودجه و میزان اهمیت به تقدم منافع جمعی

<p>دامنه سنی استفاده‌کنندگان از دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، تعداد فارغ‌التحصیلان خارج از سن آموزش رسمی، تعداد مراجعات به مراکز آموزش بزرگسالان، میزان برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت فاقد محدودیت سنی، میزان وجود برنامه‌های ارزشیابی تعقیبی (پس از فارغ‌التحصیلی)، تعداد کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی شبانه‌روزی با بازه زمانی استفاده بیشتر از ۱۲ ساعت، تعداد دانشجویان برحسب سن و جنس در مقاطع مختلف</p>	<p>یادگیری مادام‌العمر</p>	
<p>سرانه مراکز آموزش مهارت‌های زندگی فردی و جمعی، بررسی نوع و میزان فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس، میزان حوزه‌های یادگیری با عمر کمتر از سه سال، میزان آرایه برنامه‌های ترویجی و تبلیغی موضوعی و موضعی در فضاهای عمومی، تعداد اعضای کتابخانه‌ها نسبت به جمعیت محله، میزان تطبیق برنامه‌های درسی مبتنی بر نیاز یادگیرندگان در نظام آموزش رسمی، تعداد برنامه‌های حوزه‌های هنری، نمایشگاه، تئاتر، کتابخانه‌های سیار، تنوع موضوعی شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برحسب مخاطب، میزان برنامه‌های یادگیری در قالب تفکیک‌شده فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی در بین شهروندان، تعداد مربیان و راهنمایان در پارک‌ها و فضاهای عمومی و آموزش نحوه استفاده و مراقبت اموال، سرانه پارک‌های علم و فناوری و پارک‌های موضوعی</p>	<p>حوزه یادگیری</p>	<p>دوره یادگیری و نتایج</p>

بسترهای یادگیری

بسترهای فرهنگی: بسترهای فرهنگی یادگیری عامل مهمی در یادگیری بوده و دارای حوزه وسیعی از موضوعات است. محققان بسیاری به نقش فرهنگ و پیشینه‌های فرهنگی جامعه در یادگیری افراد اشاره کرده‌اند که از مهم‌ترین این افراد می‌توان به نظریات ویگوتسکی اشاره کرد. وی معتقد بود که رشد ذهن به شدت تحت تاثیر مسیر فرهنگی رشد یعنی سیستم‌های نشانه‌ای که فرهنگ فراهم می‌آورد، قرار می‌گیرد. بسترهای فرهنگی در هر جامعه متفاوت است و به عوامل مختلفی همچون آیین‌ها، اعتقادات، دین و مذهب، خرده فرهنگ‌ها، تحولات تاریخی و غیره بستگی دارد. با یافتن برخی متغیرها و سنجش آن می‌توان میزان فرهنگ یادگیری در هر جامعه و میزان آمادگی فرهنگی افراد برای یادگیری را سنجید. با نظرسنجی از نخبگان و اساتید حوزه یادگیری ۹ شاخص در این زمینه شناسایی شده که در جدول ۳ آمده است.

بستر فناوری و کیفیت یادگیری: بسترهای فناوری و نظام کنترل کیفی آموزش و یادگیری از دیگر بسترهای موردنیاز جهت شکل‌گیری شهر یادگیرنده است. با نظرسنجی از نخبگان ۱۴ شاخص در این زمینه شناسایی شد.

بستر جسمی-روانی: یکی دیگر از بسترهای مورد نیاز جهت شکل‌گیری جامعه یادگیرنده، سلامت جسم و روان افراد جامعه است. نظریه پردازانی همچون پیازه، اریکسون و روسو به نقش رشد جسمی و ذهنی در یادگیری اشاره کرده‌اند.

عوامل ژنتیکی و فیزیولوژیکی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌های حسی و حرکتی، بهره‌هوشی، حافظه دیداری و شنیداری، افسردگی و اضطراب، انگیزه و اعتماد به نفس، اختلالات عصبی-روانشناختی از مهم‌ترین عوامل جسمی روانی به شمار می‌روند. با نظرسنجی به عمل‌آمده توسط نخبگان ده شاخص در حوزه جسمی و روانی شناسایی شد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

بسترهای سیاسی نهادی: در مورد بسترهای سیاسی نهادی همان‌طور که در مدل شهر یادگیرنده یونسکو آمده است، اراده و تعهد سیاسی قوی به‌عنوان یک عامل اساسی در شکل‌گیری شهر یادگیرنده عنوان شده است. با بسط و گسترش این عوامل و با نظرسنجی از نخبگان ده شاخص مرتبط با این مولفه شناسایی شد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

بستر اقتصادی: در مدل شهر یادگیری یونسکو به بسیج منابع جهت دستیابی به شهر یادگیرنده اشاره شده است. بنابراین هزینه‌هایی که در بخش آموزش و یادگیری افراد جامعه هزینه می‌شود بیانگر میزان اهمیت و تحقق شهر یادگیرنده است. در این بخش نیز ۵ شاخص شناسایی شد.

دامنه یا شمول یادگیری

در بعد دامنه یادگیری که به محتوا و روش‌های یادگیری اشاره دارد، دو مولفه یادگیری مادام‌العمر و حوزه یادگیری نیز اضافه شد که در جدول ۳ آمده است. دامنه یادگیری را می‌توان طول و عرض یادگیری نیز استنباط کرد. منظور از طول یادگیری همان مدت زمان عمر افراد است که می‌بایست پیوسته در معرض یادگیری قرار گیرد و از آن به عنوان یادگیری مادام‌العمر یاد می‌شود.

- **یادگیری مادام‌العمر:** این مولفه بیانگر دوره سنی یادگیری و میزان پیوستگی آن است. با مصاحبه به عمل‌آمده از متخصصان ۷ شاخص شناسایی شد.

- **حوزه یادگیری:** حوزه یادگیری نیز اشاره به شمول یادگیری دارد که منظور از آن انواع یادگیری، روش و محتوای یادگیری است.

نتایج مرحله دوم نظرسنجی به روش دلفی (اولویت‌بندی شاخص‌های شهر یادگیری توسط نخبگان)

در مدل شهر یادگیرنده یونسکو که در سال ۲۰۱۳ در کنفرانس شهرهای یادگیرنده در چین برگزار شد؛ آموزش رسمی، یادگیری در جامعه، فرهنگ یادگیری، کیفیت یادگیری، تکنولوژی و فناوری یادگیری از اجزای تشکیل دهنده شهر یادگیری عنوان شده است. در تحقیق حاضر، ابعاد و مولفه‌های دیگری نیز از طریق مصاحبه با نخبگان احصاء و همچنین با ابزار پرسشنامه اولویت‌بندی شد و نهایتاً جدول ۴ حاصل شد. به عبارتی مولفه‌ها و شاخص‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با نخبگان که در جدول ۳ نشان داده شده است با مولفه‌ها و شاخص‌هایی که توسط سایر محققان و منابع رسمی گردآوری شده اند ترکیب و مجدداً توسط نخبگان اولویت‌بندی شد و پس از تحلیل آماری در نرم‌افزار Spss، برای هر مولفه سه شاخص مهم‌تر تعیین شد که در جدول ۴ نشان داده شده است.

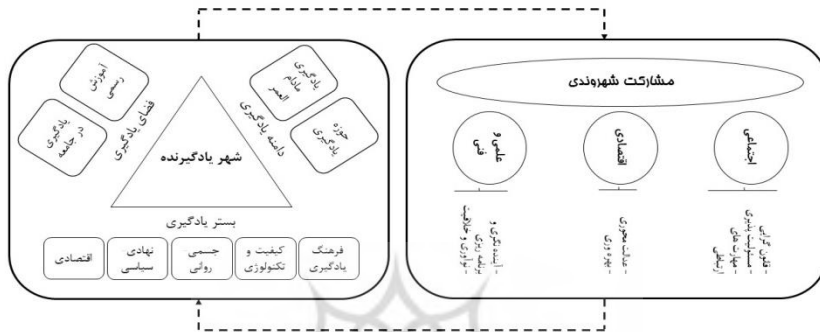
جدول ۴. مهم‌ترین شاخص‌های شهر یادگیرنده بر مبنای نتایج نظرسنجی نخبگان و مبانی نظری

بعد	مولفه	شاخص	مأخذ	روش سنجش
فضای یادگیری	یادگیری از آموزش رسمی	گسترش آموزش دوران کودکی	یونسکو- یونسف و دیگران	آمارهای رسمی
		گسترش آموزش از ابتدایی تا عالی		
		حمایت از گروه‌های محروم		
	یادگیری در جامعه	تشویق یادگیری مداوم در جامعه		
		یادگیری از طریق فرهنگ		
		یادگیری از طریق رسانه		
بستر یادگیری	فرهنگ یادگیری	ساعات مطالعه افراد برای یادگیری غیردرسی و داوطلبانه	مصاحبه و نظرسنجی نخبگان	نظرسنجی شهروندان
		سطح فرهنگ یادگیری تیمی و مشارکتی		
		میزان دسترسی به منابع و کتب غیردرسی رایگان		
	کیفیت و تکنولوژی	میزان دسترسی به اینترنت رایگان در فضاهای عمومی (وسایل نقلیه، پارک‌ها، کافه‌ها و...)		
		سطح سواد مرئیان و اساتید		
		میزان دسترسی پذیری به وسایل ارتباط جمعی مجازی		
	جسمی- روانی	میزان شرکت در برنامه‌های ورزش همگانی		
		شرکت در آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی		
		میزان مشارکت در برنامه سنجش سلامت جسمی دانش‌آموزان		
	سیاسی- نهادی	میزان بهره‌مندی از خدمات آموزشی سازمان‌های مردم‌نهاد		
		میزان شفاف‌سازی اطلاعاتی توسط نهادها		
		میزان دریافت اطلاعات و آگاهی از خدمات نهادهای عمومی و دولتی در زمان مراجعه		

مدل مفهومی پژوهش

با شناسایی مولفه‌های شهر یادگیری و ارتباط آن با جنبه‌های مشارکت می‌توان مدل پژوهش را به صورت نمودار ذیل ترسیم کرد تا در ادامه، این ارتباط و همبستگی مورد آزمون قرار گیرد.

نمودار ۴. مدل مفهومی پژوهش



ارزیابی وضعیت مولفه‌ها و شاخص‌های شهر یادگیرنده قزوین از نظر شهروندان و تحلیل ارتباط آن با زمینه‌های مشارکت شهروندی

جهت ارزیابی مولفه‌های شهر یادگیرنده و تاثیر آن بر مشارکت شهروندان شهر قزوین تعداد ۳۶۰ پرسشنامه تهیه و بین پاسخگویان توزیع شد. بر طبق یافته‌های تحقیق، ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۸٫۶ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال، ۲۷٫۱ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۷٫۱ درصد در گروه ۴۵ تا ۵۴ سال و ۷٫۱ درصد نیز در گروه سنی ۵۴ سال به بالا قرار دارند. همچنین ۱۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۸ درصد دیپلم، ۷ درصد کارشناسی و ۴۱ درصد دارای تحصیلات کارشناس ارشد و بالاتر بوده‌اند. بر طبق نگاره فوق تقریباً ۵۲ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۴۸ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان تشکیل داده‌اند.

در گام بعدی و برای بررسی ارتباط معنی‌دار بین شهر یادگیرنده و سطح مشارکت شهروندان از شهروندان شهر قزوین خواسته خواهد شد تا وضعیت موجود شهر را بر اساس مولفه‌های اصلی شهر یادگیرنده در کنار وضعیت

مشارکت‌های شهروندی ارزیابی کنند. گویه‌های تحقیق براساس طیف لیکرت طراحی و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره دهی شدند. بعد از اتمام این مرحله، گویه‌های مذکور به نظر استادان و کارشناسان متخصص رسید تا دیدگاه‌های ایشان برای تعدیل و اصلاح گویه‌ها لحاظ شود و از این بابت اعتبار پرسشنامه محرز شود. سپس پرسشنامه بین ۱۰٪ از اعضای جامعه آماری توزیع و تکمیل شد تا اندازه‌گیری میزان پایایی پرسشنامه نیز ممکن شود. مقادیر آلفای کرونباخ به دست آمده برای ۵۳ سوال پرسشنامه که براساس طیف لیکرت طراحی شده بودند، ۰,۷۷۱، به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است. در ادامه به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده و بررسی ارتباط دو پارامتر یادگیری همه جانبه و مشارکت شهروندی از آزمون همبستگی رتبه ای بی کندال تائو استفاده شد.

در پاسخ به پرسش تحقیق، عوامل موثر بر مشارکت در بین شهروندان شهر قزوین به صورت زیر مطرح و به آزمون آن پرداخته شد. بین عوامل شهر یادگیری (در ابعاد فضا، بستر و دامنه یادگیری) و مشارکت (اقتصادی، اجتماعی و علمی - فنی) رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی تاوی بی - کندال ۰,۳۹۶ - به دست آمده است. به دلیل اینکه مقدار Sig در این تحقیق ۰,۰۲۱، محاسبه شده است و این مقدار از ۰,۰۵ کوچک تر است، پس این ضریب همبستگی در سطح ۰,۰۵ معنی دار است. در این مرحله داده‌های مربوط به مشارکت شهروندی که شامل ۲۵ سوال از ۵۳ سوال است مورد ارزیابی قرار گرفته و در نرم افزار spss تحلیل شد. در تحلیل میزان همبستگی داده‌های مربوط به وضعیت شهر یادگیری و مشارکت شهروندی در بین شهروندان قزوین نتایج نشان داد که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین عوامل شهر یادگیری و مشارکت رد می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین عوامل شهر یادگیری و مشارکت رابطه وجود دارد.

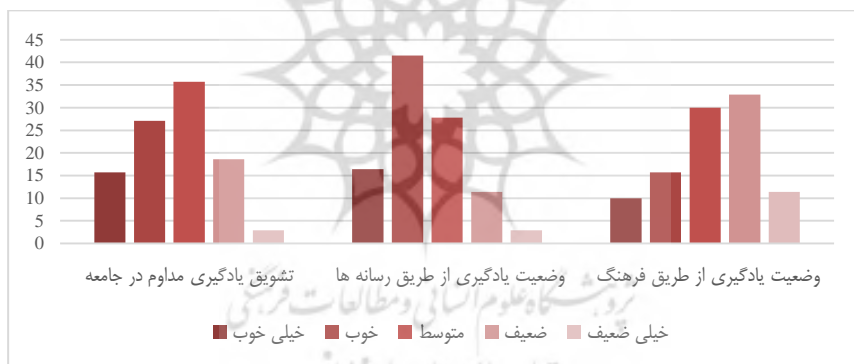
ارزیابی شهروندان از وضعیت فضای یادگیری در شهر قزوین

از مجموع ۵۷ پرسش پیمایش شهری، ۷ پرسش مربوط به بعد فضای یادگیری است. در بررسی مولفه یادگیری در جامعه ۴ سوال مورد پرسشگری قرار گرفت

در نظرسنجی به عمل آمده در مورد وضعیت شهر قزوین، میزان اهمیت شهروندان به یادگیری در جامعه شهری نشان از اهمیت نسبتاً بالای توجه شهروندان به یادگیری در تمام طول عمر در جامعه شهری قزوین دارد.

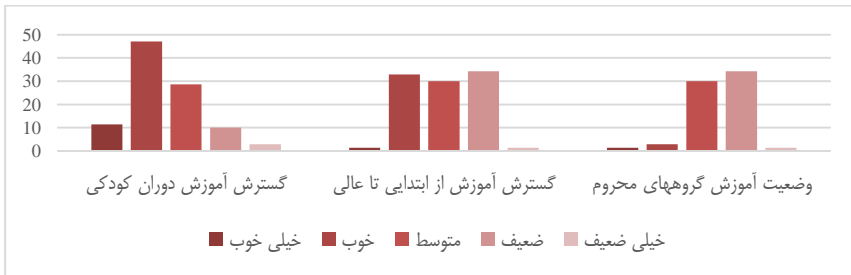
در بحث ارزیابی شهروندان از وضعیت یادگیری از طریق رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های مجازی) اکثریت پاسخگویان پاسخ‌های متوسط، زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً مناسب این نوع از یادگیری در شهر قزوین است. این در حالی است که شهروندان در ارزیابی خود از وضعیت یادگیری از طریق فرهنگ بیشتر گزینه‌های کم و متوسط را انتخاب کرده‌اند. این موضوع بیانگر ناکافی بودن برنامه‌های فرهنگی و فرهنگ‌سازی در زمینه‌های آموزش شهروندی است. روش‌ها، محتوای محصولات فرهنگی و میزان تاثیرپذیری شهروندان از برنامه‌های فرهنگی نیز از عوامل دیگر این ارزیابی است.

نمودار ۵. ارزیابی بعد فضای یادگیری (یادگیری در جامعه) در شهر یادگیرنده قزوین



در ارزیابی وضعیت یادگیری رسمی در شهر قزوین سه پرسش طرح شده است که نتایج حاصله بیانگر وضعیت نسبتاً مناسب آموزش در دوران کودکی، وضعیت متوسط آموزش در دوره دانشگاهی و وضعیت نامناسب آموزش گروه‌های محروم دارد. آمار رسمی باسوادان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از یک‌سو و سطح تحصیلات گروه‌های محروم جامعه از سوی دیگر مویید این موضوع است. خلاصه نتیجه نظرسنجی از شهروندان در سایر ابعاد و مولفه‌ها نیز در نمودارهای ۵ تا ۲۵ نشان داده شده است.

نمودار ۶. ارزیابی بعد فضای یادگیری (یادگیری رسمی) در شهر یادگیرنده قزوین

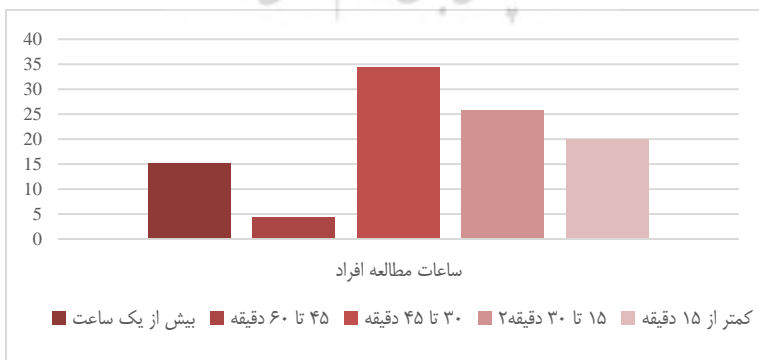


ارزیابی شهروندان از وضعیت بسترهای یادگیری در شهر قزوین

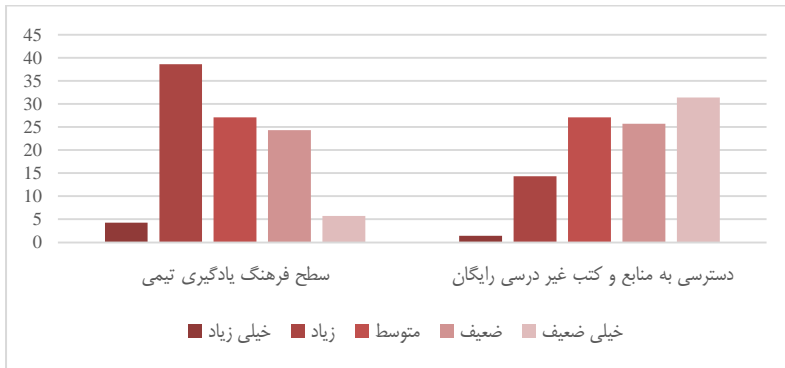
در بعد بستر یادگیری مجموعاً ۱۶ سوال مطرح شده است که شامل سه سوال در حوزه فرهنگ یادگیری، پنج سوال در حوزه کیفیت و یادگیری، چهار سوال در حوزه جسمی - روانی، سه سوال مربوط به مولفه سیاسی-نهادی و یک سوال مربوط به مولفه اقتصادی است.

در ارزیابی بسترهای فرهنگی یادگیری در شهر قزوین، نتایج نظرسنجی شهروندان نشان می‌دهد اکثریت افراد جامعه آماری دارای ساعات مطالعه کمتر از ۴۵ دقیقه در روز بوده‌اند. این در صورتی است که استنباط پاسخگویان از ساعات مطالعه درست بوده باشد در حالی که مطالعه اخبار، وقایع روزانه و مطالب سرگرم‌کننده و مرور موضوعات شبکه‌های اجتماعی در جایگاه پایین‌تری به لحاظ کیفیت و محتوای مطالعه قرار داشته و قرار دادن زمان صرف‌شده در آن به‌عنوان زمان مطالعه مطلوب به نظر نمی‌رسد.

نمودار ۷. میزان مطالعه افراد (دقیقه)



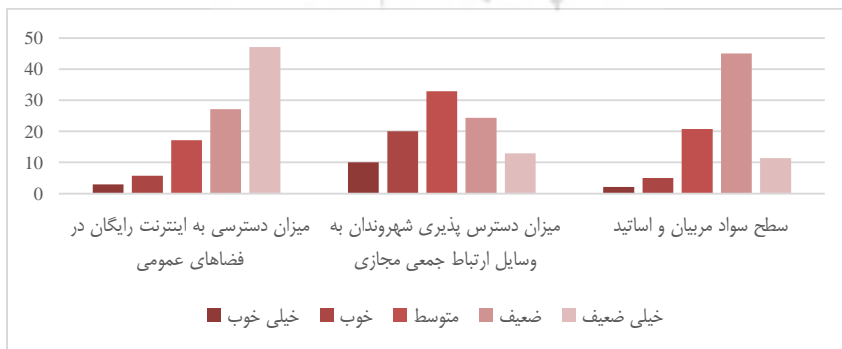
نمودار ۸. ارزیابی وضعیت بسترهای فرهنگی یادگیری در شهر قزوین



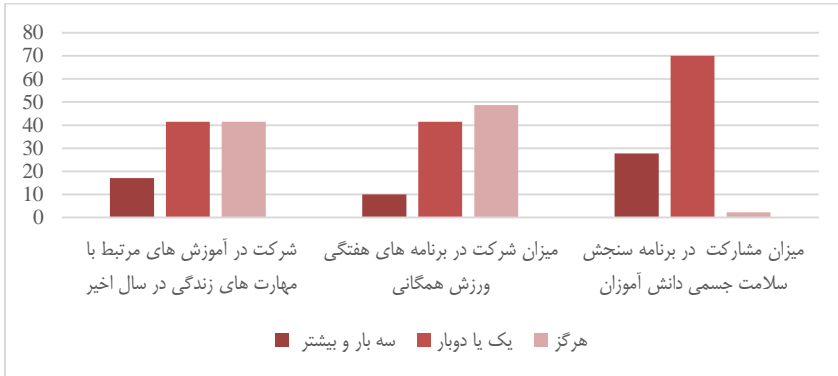
ارزیابی سطح فرهنگ یادگیری تیمی و مشارکتی در شهر قزوین بیانگر رضایت نسبی شهروندان از وضعیت فرهنگ یادگیری جمعی در این شهر است. در ارزیابی میزان دسترسی به منابع و کتب غیردرسی رایگان یا کم‌هزینه در شهر قزوین شهروندان بر این باورند که این میزان کم بوده و به‌عنوان عاملی بازدارنده در ارتقای فرهنگ یادگیری محسوب می‌شود. به‌عبارتی هزینه‌های بالای دسترسی به کتاب‌ها و منابع مطالعه یکی از مهم‌ترین عوامل عدم استقبال شهروندان از کتاب و فرهنگ کتابخوانی است. دستیابی به این منابع عمدتاً از طریق عضویت در کتابخانه میسر بوده که دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی است.

یکی دیگر از بسترهای یادگیری بستر فناوری و کیفیت یادگیری است که جهت ارزیابی وضعیت آن در شهر قزوین از پنج پرسش استفاده شده است که نتایج آن در نمودارهای ذیل آمده است:

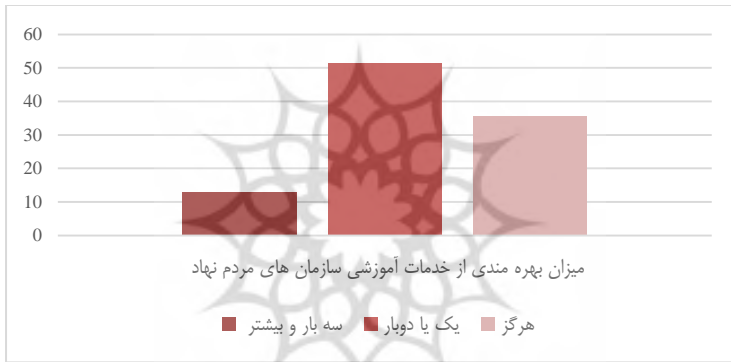
نمودار ۹. ارزیابی بستر فناوری و کیفیت یادگیری در شهر قزوین



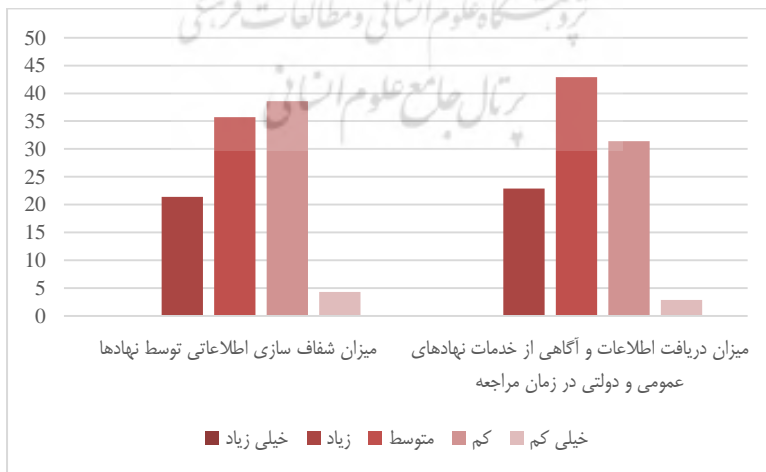
نمودار ۱۰. ارزیابی بستر جسمی و روانی یادگیری در شهر قزوین



نمودار ۱۱. ارزیابی بستر سیاسی نهادهای شهر یادگیرنده قزوین



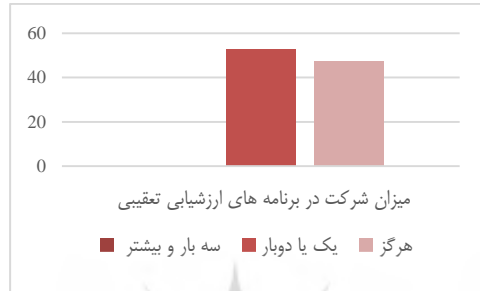
نمودار ۱۲. ارزیابی بستر سیاسی نهادهای شهر یادگیرنده قزوین



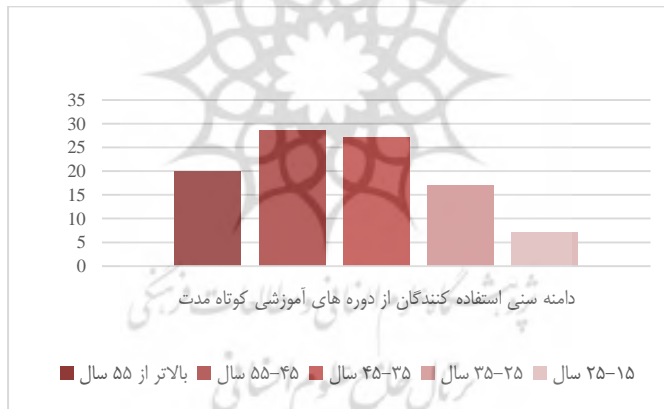
ارزیابی شهروندان از وضعیت دامنه یادگیری در شهر قزوین

در این بخش از ۵۷ سوال پرسشنامه در مجموع ۷ سوال مورد پرسش واقع شد که ۴ سوال در مورد وضعیت یادگیری مادام‌العمر و ۳ سوال دیگر مربوط به وضعیت حوزه یادگیری در شهر قزوین است.

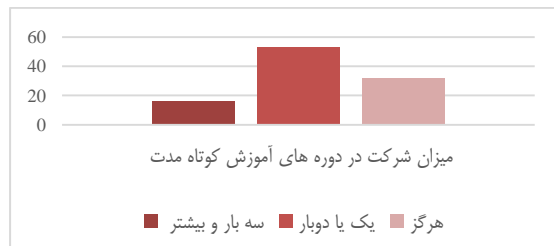
نمودار ۱۳. ارزیابی مولفه یادگیری مادام‌العمر شهر یادگیرنده قزوین



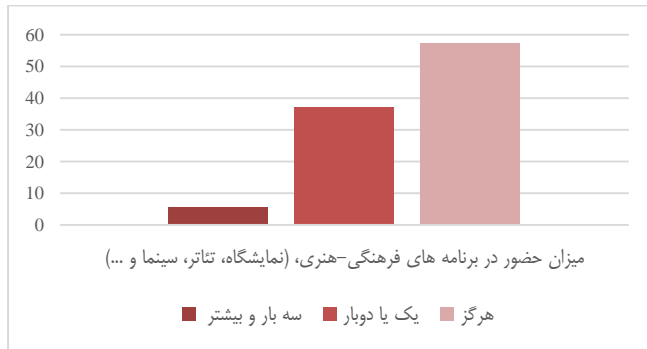
نمودار ۱۴. ارزیابی مولفه یادگیری مادام‌العمر شهر یادگیرنده قزوین



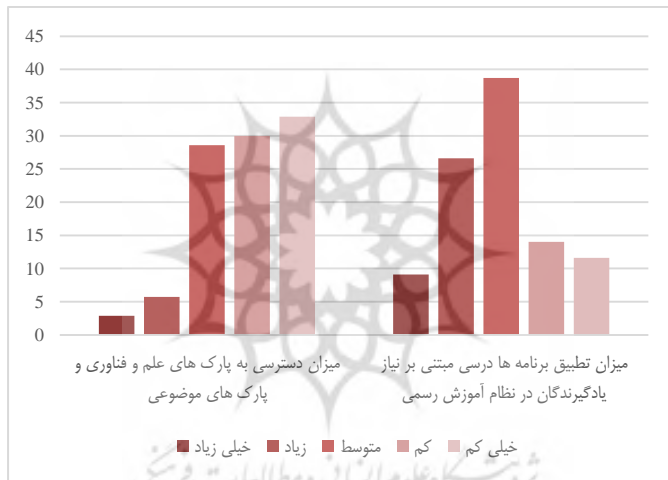
نمودار ۱۵. ارزیابی مولفه یادگیری مادام‌العمر شهر یادگیرنده قزوین



نمودار ۱۶. ارزیابی مولفه حوزه یادگیری شهر یادگیرنده قزوین



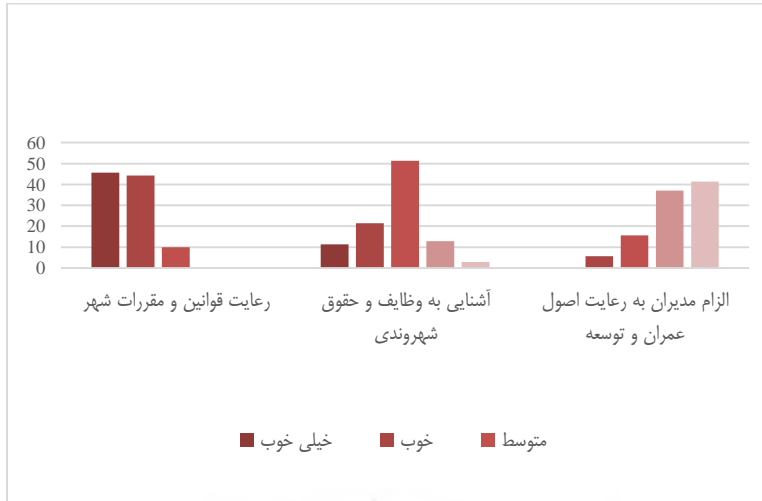
نمودار ۱۷. ارزیابی مولفه حوزه یادگیری شهر یادگیرنده قزوین



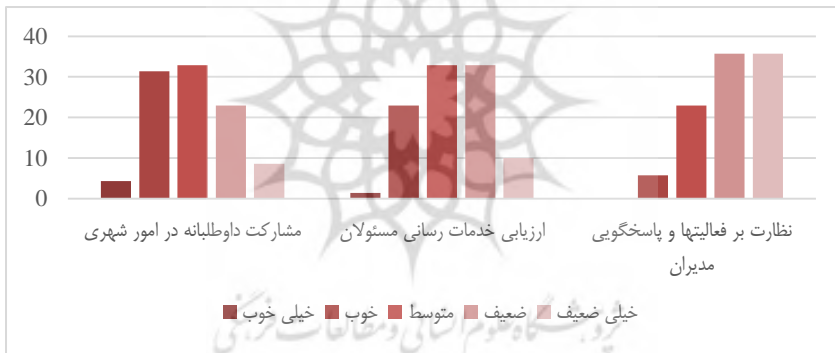
وضعیت مولفه ها و شاخص های مشارکت در شهر قزوین بر مبنای نظرسنجی از شهروندان

از مجموع ۵۷ پرسش پیمایش شهری، ۲۴ پرسش مربوط به ارزیابی شهروندان از وضعیت مشارکت شهروندان در زمینه های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و علمی- فنی است.

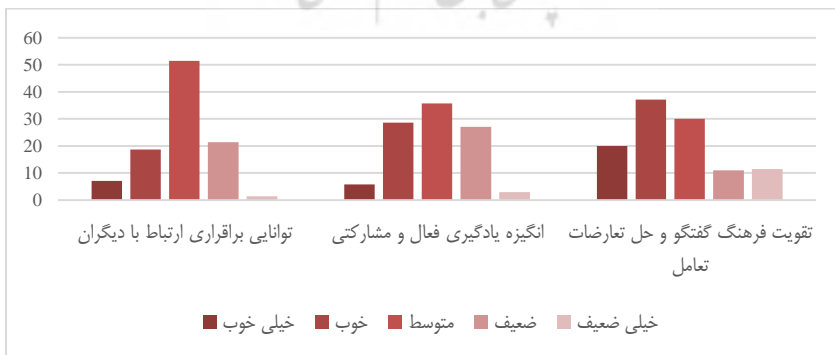
نمودار ۱۸. ارزیابی مشارکت اجتماعی شهروندان (مولفه قانون گرایی)



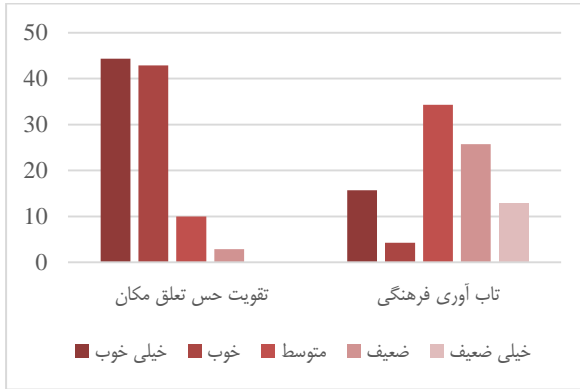
نمودار ۱۹. ارزیابی مشارکت اجتماعی شهروندان (مولفه مسئولیت پذیری)



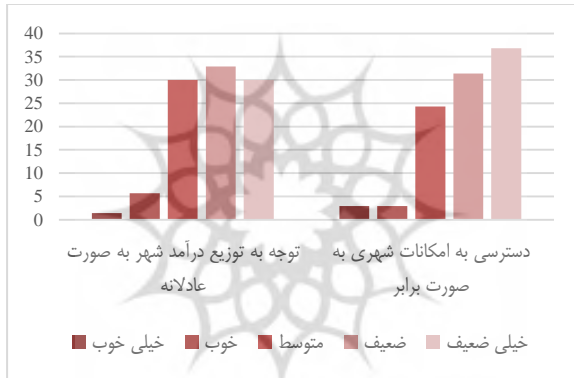
نمودار ۲۰. ارزیابی مشارکت اجتماعی شهروندان (مهارت های ارتباطی)



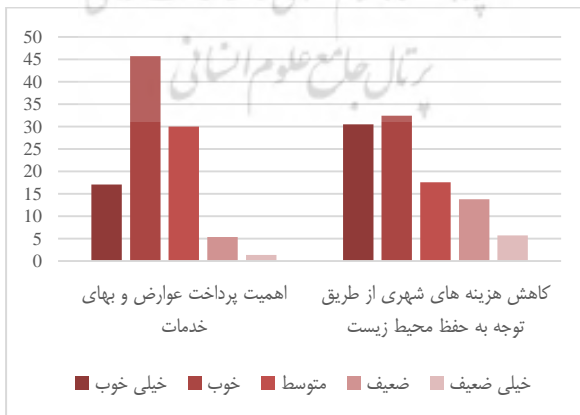
نمودار ۲۱. ارزیابی مشارکت اجتماعی شهروندان (وفاق و همدلی)



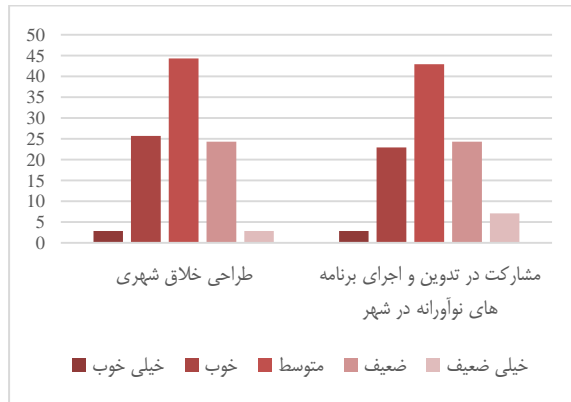
نمودار ۲۲. ارزیابی مشارکت اقتصادی شهروندان (عدالت محوری)



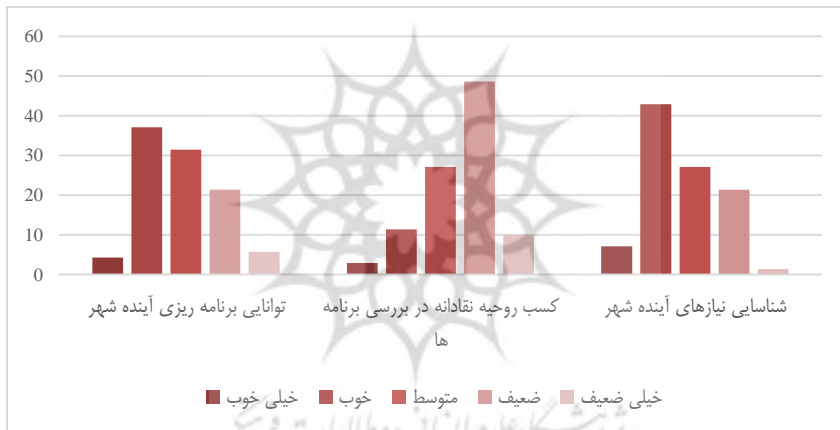
نمودار ۲۳. ارزیابی مشارکت اقتصادی شهروندان (بهره‌وری)



نمودار ۲۴. ارزیابی مشارکت علمی و فنی شهروندان (نوآوری و خلاقیت)



نمودار ۲۵. ارزیابی مشارکت علمی و فنی شهروندان (برنامه ریزی و آینده نگری)



بررسی ارتباط مولفه های شهر یادگیرنده در قزوین با زمینه های مشارکت شهروندی

با استفاده از روش پیمایش، دیدگاه های شهروندان شهر قزوین در خصوص وضعیت شاخص های شهر یادگیرنده از یک سو و شاخص های مشارکت شهروندی از سوی دیگر احصاء شد. با روش مقیاس سازی و با تکنیک میانگین گیری، دو مقیاس برای شهر یادگیرنده و مشارکت شهروندی براساس متغیرهای شناسایی شده در مدل مفهومی ساخته شد. با توجه به آنکه مقیاس ها از نوع رتبه ای (براساس طیف لیکرت) هستند، با استفاده از آزمون همبستگی تائو بی کندال، رابطه ی

معنی داری میان این دو مقیاس بررسی شد.

براساس نتایج آزمون همبستگی ضریب معنی داری کمتر از ۰,۰۵ به دست آمده و فرض صفر که بیانگر عدم رابطه میان شهر یادگیرنده و مشارکت‌های شهروندی است رد و فرض اصلی تایید می‌شود. تایید فرض اصلی نشان می‌دهد اختلاف بین داده‌ها معنی دار بوده و ناشی از تصادف نیست. بنابراین تایید می‌شود که بین شهر یادگیرنده و مشارکت‌های شهروندی رابطه معنی دار وجود دارد. در جدول ۶ ارتباط بین ابعاد شهر یادگیری و زمینه‌های مشارکت، به طور خلاصه آمده است.

جدول ۵. ارتباط متغیرهای مشارکت شهروندی و مولفه‌های شهر یادگیرنده

مشارکت شهروندی			شاخص‌ها و متغیرها		
مشارکت علمی و فنی	مشارکت اقتصادی	مشارکت اجتماعی و فرهنگی			
دارد	دارد	دارد	یادگیری از آموزش رسمی	فضای یادگیری	شهر یادگیرنده
ندارد	ندارد	دارد	یادگیری در جامعه	بستر یادگیری	
دارد	دارد	ندارد	فرهنگ یادگیری		
دارد	ندارد	ندارد	کیفیت و تکنولوژی		
دارد	ندارد	دارد	جسمی-روانی		
ندارد	دارد	دارد	سیاسی-نهادی		
ندارد	ندارد	دارد	اقتصادی	دامنه یادگیری	
ندارد	دارد	ندارد	یادگیری مادام‌العمر		
ندارد	دارد	دارد	حوزه یادگیری		

نتایج آزمون نشان می‌دهد که یادگیری از طریق آموزش رسمی موجب ارتقای مشارکت شهروندی خواهد شد. این موضوع بیانگر نقش حساس آموزش و پرورش و آموزش عالی در جامعه شهری است. به طوری که با گسترش آموزش‌های رسمی به‌ویژه در دوره کودکی، افزایش سطح سواد شهروندان و توجه به گروه‌های محروم از تحصیل از یک سو و ارتقای سطح علمی معلمان، مربیان و اساتید از سوی دیگر می‌توان به ارتقای مشارکت شهروندان در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی دست یافت. همچنین یادگیری در محیط جامعه نیز عاملی موثر در ارتقای مشارکت شهروندان است و موجب مشارکت اجتماعی و فرهنگی خواهد شد. البته نتایج آزمون بیانگر عدم ارتباط یادگیری در جامعه با مشارکت‌های اقتصادی و علمی است. این بدین معناست که نقش آموزش‌های

محیط اجتماعی در ارتقای عدالت محوری، بهره‌وری، برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و نوآوری و خلاقیت کمرنگ است. در ارزیابی بسترهای یادگیری و نقش آن در ارتقای مشارکت شهروندی، نتایج تحقیق بیانگر آن است که بستر فرهنگی یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری شهر یادگیری و مشارکت شهروندی است و در صورت ایجاد آن کلیه زمینه‌های مشارکتی شکل خواهد گرفت. بنابراین با نهادینه شدن فرهنگ مطالعه، یادگیری جمعی و گسترش دسترسی به منابع رایگان و کم‌هزینه در حوزه یادگیری می‌توان زمینه مشارکت شهروندان را فراهم کرد. نکته قابل‌تأمل آن است که افزایش فناوری‌های آموزشی و کیفیت یادگیری لزوماً به مشارکت فرهنگی- اجتماعی و همچنین اقتصادی منجر نخواهد شد. گسترش فناوری‌ها و کیفیت یادگیری تنها موجب ارتقای مشارکت شهروندان در مسائل علمی و فنی خواهد شد. بدین معنی که فناوری‌های آموزشی قدرت برنامه‌ریزی، خلاقیت، نوآوری و آینده‌نگری را در شهروندان افزایش می‌دهد و شهروندان قادر خواهند بود در این موضوعات به‌عنوان یک مشاور علمی و فنی در کنار مدیریت شهری قرار گیرند.

موضوعی که در ادبیات مربوط به مشارکت کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نقش عوامل جسمی و روانی در ارتقای سطح مشارکت شهروندی است. نتایج نظرسنجی گویای این واقعیت است که وجود برنامه‌های سنجش سلامت و آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ورزش همگانی نقش بسزایی در افزایش مشارکت‌های شهروندی در زمینه فرهنگی، اجتماعی، علمی و فنی دارد.

یکی دیگر از بسترهای یادگیری که منجر به مشارکت شهروندان می‌شود بستر سیاسی- نهادی است. به عبارتی عزم مدیریتی و نهادسازی در عرصه آموزش و یادگیری نوعی برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح مشارکت شهروندان محسوب می‌شود که موجب مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد برخلاف باور عمومی سرمایه‌گذاری و ایجاد بستر اقتصادی یادگیری، لزوماً و به‌تنهایی به مشارکت اقتصادی و علمی

شهروندان منجر نخواهد شد و تنها می‌تواند زمینه مشارکت اجتماعی و فرهنگی را فراهم کند. این موضوع بدین معناست که تنها با صرف هزینه‌های هنگفت در حوزه آموزش نمی‌توان مشارکت همه‌جانبه شهروندان را پدید آورد و ارتباط نزدیکی بین بستر اقتصادی و سایر بسترهای یادگیری وجود دارد.

در بعد دامنه یادگیری، نتایج تحقیق بیانگر آن است که یادگیری مستمر شهروندان در حال حاضر با هدف دستیابی به منافع اقتصادی بوده و موجب مشارکت اقتصادی آنان می‌شود. اما دانش کسب‌شده به‌صورت مستمر و در همه سنین لزوماً موجب مشارکت فرهنگی، اجتماعی و فنی نشده است. علم‌آموزی مستمر و مادام‌العمر در حال حاضر برای دستیابی به اهداف شغلی دنبال می‌شود و به‌صورت داوطلبانه یا اجباری افراد را به دنبال خود می‌کشد اما آموزش‌های رسمی و غیررسمی و اتفاقی در زمینه‌های مختلف موجب دید باز شهروندان و گشاده‌فکری آنان شده و بنابراین مطابق نتایج تحقیق به مشارکت‌های شهروندی می‌انجامد. در جمع‌بندی نهایی می‌توان اذعان کرد که برخی ابعاد و مولفه‌های شهر یادگیری نقش بسیار موثری در مشارکت‌های شهروندی خواهد داشت و جهت دستیابی به این هدف می‌بایست به تقویت این ابعاد و مولفه‌ها پرداخت.

نتیجه‌گیری

رشد سریع شهرها به‌ویژه در سال‌های اخیر منجر به پیدایش مسائل و مشکلات عدیده در زمینه‌های مختلف شده است که خدمت‌رسانی به شهروندان توسط مدیریت شهری را با مشکل مواجه کرده است. مشارکت شهروندان در زمینه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی، اجتماعی و نظری راهگشای حل این مشکل تشخیص داده شده است. اما اعتقاد به عامل مشارکت از یک‌سو و عمل به آن مهم‌ترین چالش جلب مشارکت محسوب می‌شود. در تحقیقات صورت‌گرفته توسط محققان به نقش آگاهی و تحصیلات در رفع این چالش اشاره شده است. کلیه نظریه‌پردازان حوزه مشارکت به نقش آموزش، آگاهی و اطلاعات در ارتقای سطح مشارکت شهروندان اشاره کرده‌اند. از طرفی تجربه مشارکت در کشور ایران بیانگر آن است که علی‌رغم آگاهی از نتایج مشارکت، اقدام در این زمینه کم‌رنگ است.

بنابراین به نظر می‌رسد پویایی مشارکت شهروندی به پویایی آموزش و یادگیری وابسته است. موضوعی که در این تحقیق با عنوان شهر یادگیرنده و یادگیری مادام‌العمر از آن یاد شده است. برای دستیابی به این نوع از آگاهی نیاز به ویژگی‌هایی است که منجر به یادگیری همگانی و مستمر و در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد می‌شود. بر این اساس در پژوهش حاضر سعی شده مولفه‌های شهر یادگیرنده که می‌تواند بازتاب این نوع از یادگیری باشد، در شهر قزوین مورد سنجش قرار گرفته و ارتباط آن با زمینه‌های مشارکت مورد سنجش قرار گیرد. با توجه به مبانی نظری شهر یادگیرنده، مولفه‌ها در سه دسته فضا، بستر و دامنه یادگیری در نمونه مورد مطالعه مورد سنجش قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر آن است که یادگیری از طریق آموزش رسمی با کلیه اشکال مشارکت ارتباطی معنی‌دار دارد. این بدین معناست که توسعه آموزش رسمی و به‌ویژه آموزش‌های دوران کودکی و در مدرسه موجب پرورش روحیه مشارکت خواهد شد. این نوع آموزش‌ها به‌ویژه در صورتی که با برنامه‌های درسی برنامه‌ریزی شده و تقویت‌کننده فرهنگ کار و یادگیری جمعی باشد، تاثیر زیادی در مشارکت افراد خواهد داشت. بدیهی است که آشنایی با قوانین و مقررات و حقوق شهروندی در برخی برنامه‌های درسی دوران مدرسه گنجانده شده است که در صورت برگزاری کارگاه‌های عملی، اردوها و افزایش برنامه‌های یادگیری جمعی و مشارکتی می‌توان موجب تقویت این مفاهیم و به عبارتی افزایش مشارکت فرهنگی-اجتماعی شد.

توسعه توانمندی‌های اجتماعی و یادگیری فرهنگ کار و تلاش که نقطه آغاز آن مدارس است، می‌تواند موجب افزایش مشارکت اقتصادی شود. از طرفی ارتقای مهارت‌های علمی افراد به‌ویژه در سنین بزرگسالی منجر به تولید علم و دانش و به عبارتی مشارکت علمی و فنی شده که خود موجب افزایش بهره‌وری و تولید در نظام اقتصادی خواهد شد.

از طرفی بین یادگیری در فضای جامعه و مشارکت فرهنگی-اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی یادگیری در صورتی که در فضاهای شهری و

محیط غیررسمی صورت گیرد به ارتقای مشارکت اجتماعی و مولفه‌های آن (قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، مهارت ارتباطی و وفاق و همدلی) خواهد انجامید. باتوجه به نتایج به دست آمده در پژوهش در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، نوعی از آگاهی و ارتباط که در بستر جامعه شهری رخ می‌دهد در صورتی که مستمر و مادام‌العمر باشد، موثرترین راه جلب مشارکت شهروندان خواهد بود. بنابراین توسعه زیرساخت‌های یادگیری جمعی، همه‌جانبه و فراگیر در فضاهای غیررسمی که فضای شهری نیز جزء آن محسوب می‌شود، می‌تواند تاثیر بسزایی در مشارکت شهروندان در امور شهری داشته باشد.

نتایج نظرسنجی نشان داد که برخی ابعاد شهر یادگیری منجر به مشارکت اقتصادی، اجتماعی و علمی شده است. اما برخی زمینه‌های مشارکت و مولفه‌های شهر یادگیرنده ارتباط معنی‌داری با یکدیگر نداشتند به عبارتی این مولفه‌های آگاهی به مشارکت منجر نشده است. بر این اساس برخی پیشنهادهای کاربردی برآمده از تحقیق به شرح زیر است:

۱. فراهم کردن زیرساخت‌های آموزش غیررسمی و فراگیر در جامعه با افزایش فضاهای شهری دارای ویژگی تعامل و گفتگو.
۲. طراحی برنامه‌های ارتقا کیفیت آموزش‌ها براساس زمینه‌های پیاده‌سازی و اولویت‌ها.
۳. فراهم کردن یا تکمیل زیرساخت مخابرات و فناوری و افزایش سرعت اینترنت در جهت بهبود کیفیت ارائه خدمات ارتباطی.
۴. ایجاد جایگاه قانونی آموزش غیررسمی در کشور.
۵. تبیین ضرورت یادگیری انواع موضوعات با هدف بهبود کیفیت زندگی اجتماعی.
۶. ارتقای نقش رسانه‌های جمعی در آموزش‌های مستمر.
۷. افزایش برنامه‌های مستمر و تعقیبی در جهت افزایش عمر مفید اطلاعات افراد.
۸. تقویت خرده فرهنگ‌ها و ایجاد سیاست‌هایی در جهت همزیستی بین آنها.

۹. شناسایی جامعه هدف که باید مورد آموزش قرار گیرند و اولویت بندی آن.
۱۰. تشویق سازمان های مردم نهاد به افزایش نقش آموزشی در برخی حوزه های شهروندی مانند رعایت قوانین، مهارت های زندگی و ... با حمایت های مادی و معنوی.
۱۱. افزایش سهم اعتبارات بخش آموزش شهروندی در نهادهای متولی به ویژه سازمان های تحت نظر شهرداری قزوین.
۱۲. افزایش سیاست های تشویقی در آموزش شهروندی از طریق کمک هزینه های حمل و نقل، پارکینگ، عوارض و
۱۳. توسعه آموزش های الکترونیکی ، سیار و آموزش از راه دور و کاهش هزینه های یادگیری.
۱۴. ایجاد عدالت آموزشی در سطح شهر قزوین با توزیع مناسب منابع.
۱۵. مشارکت کلیه نهادها در حوزه آموزش شهروندی براساس اصل تفکیک وظایف.

منابع

- السون، متیو اچ، هرگنهان، بی آر، (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، ویرایش هفتم، تهران، نشر دوران
- امینی، یوسف؛ امینی، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه امور شهری مرتبط با شهرداری، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲
- پیران، پرویز (۱۳۷۷). طرح شهردار مدرسه: پیش به سوی مشارکت‌های اجتماعی در حیطه‌های رسمی. مجله سیاسی - اقتصادی، ۱۳۲-۱۳۱، ۹۶-۱۰۳
- ثامنی، امیر؛ براتی، ناصر، (۱۳۹۰)، «شهر» به‌عنوان برترین آموزگار؛ ضرورت‌ها و الزامات بسط مفهوم شهرآموز شده، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴
- حیبی، محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، تهران
- دلور. ژاک (۱۳۷۵) یادگیری گنج درون، ترجمه فاطمه فقیهی و علی رئوف، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تک‌نگاشت، شماره ۴
- ساروخانی، باقر؛ امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی». پژوهش زنان، سال چهارم، شماره ۳ (۳۱-۶۰)
- فرخی، مریم؛ هرندی، مینا، (۱۳۹۲) جایگاه و نقش کودکان در شهر خلاق با تاکید بر فضاهای شهری آموزش‌دهنده، اولین همایش ملی شهر خلاق، ایده‌ها و چالش‌ها در ایران
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۹) بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (یافته‌های تجربی و راهبردها)، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، تهران
- کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا و شریف، مصطفی، (۱۳۹۲)، مفهوم و مدل جامعه یادگیری در کشور ایران، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره (۵۰) پیاپی، شماره دوم
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه

- پژوهش، شماره ۱، صص ۸۹ - ۱۰۹
- نوروزی وند، طاهره (۱۳۹۳)، شناسایی و ارزیابی مولفه‌های بومی شهر یادگیری در شهر اهواز از منظر نخبگان و مدیران شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- یوسفی، محمد؛ شیعه، اسماعیل؛ خطیبی، محمدرضا و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۹۸)، شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های شهر یادگیرنده با تاکید بر یادگیری مادام‌العمر، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هجدهم، شماره ۷۱، صص ۱۰۵-۱۲۶
- Amin, A. and Thrift, N. (2017) *Seeing Like a City*, Cambridge and Malden: Polity Press.
- Chauncey S.A., Simpson G.I. (2020) The Role of Learning City “Smart Teams” in Promoting, Supporting, and Extending the Community School Model. In: Stephanidis C. et al. (eds) *HCI International 2020 – Late Breaking Papers: Cognition, Learning and Games*. HCII 2020.
- Duke, C. (2010) Learning cities and regions. In: Peterson, P., Baker, E. and McGraw, B. (eds.) *International Encyclopaedia of Education*. Elsevier
- Gardiner, Helen, (1998), *lifelong learning on organization: differentiating factors between adult employee groups*, A thesis submitted to the faculty of graduate studies in partial fulfillment of the requirement for the degree of master of science, Department of Psychology.
- Longworth, N. (2006) *Learning Cities, Learning Regions, Learning Communities: Lifelong Learning and Local Government*, Taylor and Francis, London
- Longworth, N (1999) *Making Lifelong Learning Work: Learning cities for a learning century*, Kogan Page, London
- Longworth, N. (2011). *Lifelong Learning and the Schools: into the 21st Century. Lifelong Learning in Schools: an exploration into the impact of Lifelong Learning on the Schools Sector and on its implications for the Lifelong needs of Teachers*, 4-16.
- Yang, Jin and Yorozu, Rika, (2015), *Building a Learning Society in Japan, the Republic of Korea and Singapor*, UIL Publication Series on Lifelong Learning Policies and Strategies: No. 2
- International conference on learning cities, Beijing, China, 2013